

بنیاد تمدن غرب در خاور میانه

استاد دانشگاه هاروارد

-۴-

ابوالقاسم محمد (ص) که از قبیلۀ قریش بود سال ۵۷۰ میلادی در مکه متولد شد. محمد از چهل و آزوسفا کی ملت خود سخت در رنج بود و نفاق و پیدینی ایشان و برا متاثر می ساخت.

در سال ۶۱۰ با وحی رسید. در این هنگام مردی چهل ساله و مجرب بود و ایمانی در دلش زبانه می کشید. شهر مکه تنها مرکز تجارت عربستان بود و مردم آن، اگرچه بعضی از ایشان ثروتمند و اهل بحث بودند، بسنگدلی امتیاز داشتند.

این مردم با پیغمبر خود همچنان رفتار کردند که اغلب ملتها با پیغمبران خود کرده اند، یعنی مواعظ او را منافی مصالح خود شمردند و نه همان دل خود را براونگشودند بلکه گوش خویش را نیز از شنیدن سخنانش بستند. در پائیز سال ۶۲۲ پیغمبر اسلام دیگر نتوانست جفای ایشانرا تحمل کند و با پیروان خود به نقطه ای دیگر که در دو بیست و ده مایلی شمال مکه قرار داشت و یثرب نامیده می شد مهاجرت کرد (از آن زمان این شهر مدینه النبی یعنی شهر پیغمبر، یا باختصار مدینه - یعنی شهر - خوانده می شود) این سفر یا هجرت یکی از حوادث مهم زندگانی پیغمبر و دین جدید بشمار می آید و آغاز رسمی دعوت اسلام است که بعد ها مبدء تاریخ مسلمانان قرار گرفت.

پیغمبر اسلام از بسیاری جهات با پیغمبران عهد عتیق (تورات) شباهت داشت، اما در توفیقی که یافت با ایشان طرف نسبت نبود. وحی هائی که بوفور از خداوند باومی رسید بجافظه سپرده می شد یا به نثر عربی زیبایی ثبت می گشت و این نوشته ها بتدریج در کتابی تدوین شد که قرآن (از بر خواندن) خوانده می شود و کتاب مقدس مسلمانان است.

این کتاب کمی پس از رحلت پیغمبر صلعم - (سال ۶۳۲ میلادی) بتوسط یکی از کاتبان او که زید بن ثابت نام داشت تدوین شد و بار دیگر بتوسط همین شخص در سال ۶۵۰ میلادی در تدوین آن تجدید نظر بعمل آمد و این صورت آخرین و قطعی قرآن بود.

قرآن به صد و چهارده سوره تقسیم شده و ترتیب سوره‌ها بحسب طول آنهاست فقط سوره نخستین که سوره فاتحه خوانده می‌شود و دعای کوتاهی است از این ترتیب مستثنی است .

(این دعای اساسی نزد مسلمانان همان منزلت دعای ربانی را نزد عیسویان دارد) مجموع قرآن از عهد جدید ما (انجیل) کوچکتر است و از لحاظ مطالب با آن تفاوت بسیار دارد . این کتاب حاوی اصول عقاید اسلامی و قصص و الهیات و قوانین و عبادات است . قسمت عمده آن در کمال زیبایی است . پیغمبر اسلام در عین حال عارف و حکیم الهی و مقنن و مرد عمل بود و بعلاوه یکی از بزرگترین سخنوران جهان بشمار می‌رود .

دین جدید اسلام نامیده شد که بمعنی اطاعت (از خداوند) است و پیروان آنرا مسلم (از ماده همان کلمه) خواندند . این مذهب بصورتی که به پیغمبر الهام شد و او به اعراب ابلاغ کرد بسیار خالص و ساده بود .

اما این دین نیز مانند ادیان دیگر بتدریج با اوهام و خرافاتی آمیخته شد و مردم نادان و ملاحای علم فروش از مرتبه آن کاستند . معینا اگر اصل آنرا مورد نظر قرار دهیم باید گفت که سزاوار آفرین است .

ارکان خمسۀ دین اسلام عبارت است از: اول شهادتین که اقرار با ایمان است (اشهد ان لا اله الا الله ، محمداً رسول الله) - دوم صلوة یعنی نمازی که پنج بار در روز باید خوانده شود - سوم زکوة یعنی آنچه بعنوان صدقه باید داد - چهارم صوم یعنی روزه گرفتن در ماه رمضان - پنجم حج یعنی زیارت مکه و آن در صورت استطاعت لاقبل یکبار در طی عمر باید انجام یابد .

برای کسی که مسلمان نباشد در این اصول هیچ نکته قابل ایراد و اعتراض وجود ندارد . اما قلت عدد این اصول و سادگی آنها نبود که ایجاد ایمان کرد و در روح هر فرد رسوخ نمود و رواج و توسعه اسلام را تسهیل کرد . ارزش عملی دین اسلام در استحکام و ثبات بودن مبانی آن و سهولت دعوت و تبلیغ آن بود . (مثلاً در آفریقا و در مشرق هند) .

پیغمبر مردی امی بود اما نبوغی عظیم داشت . در طی سفرهایی که با کاروانهای مختلف تجارتی در وطن خود می‌کرد بمهاجران یهودی و عیسوی که از پادیه نشینان بمعارف و علوم بیشتر آشنا بودند برخورد و با ایشان درباره امور دینی بحث کرد و از این راه اطلاعاتی درباره کتب عهد عتیق و عهد جدید و ادیان یهودی و عیسوی بدست آورد . این تأثیر را در قرآن خصوصاً از داستانهای تورات که با اختلافات متناسب با موارد در آن راه یافته است میتوان دریافت .

ممکن بود که اسلام را یکنوع بدعت و انحراف در دین یهود یا دین

عیسوی تلقی کنند و در آغاز چنین نیز تلقی شد. محمد (ص) پیغمبران تورات را می‌شناخت و محترم می‌داشت و بمریم عذرا و مسیح نیز معتقد بود و خود را رسول خدا و خاتم النبیین (۱) می‌دانست یعنی پیغمبر آخرین. برحسب این نظر اسلام مکمل دین موسی و مسیحیت بود. محققان بی طرف البته تصدیق می‌کنند که مذهب اسلام سومین دین از ادیان سه گانه جهانست که در پی یکدیگر آمده اند و هر سه از سلسله واحدی هستند. هر گاه جنبه خوب اسلام را چنانکه در نوشته های مبارزان با خرافات آمده است در نظر بگیریم آنرا با عالترین نظریه توحید میتوان برابر دانست. اما اگر بخواهیم بر آن عیب بگیریم باید گفت که خرافات حتی بیش از فاسدترین درجه مذهب کاتولیک یا طریقه بیزانسی در بعضی از فرقه های آن راه یافته است. این نکته البته مربوط بخود دین نیست بلکه شاید بعلمت آن باشد که میان مسلمانان طبقات فقیر و پست و بیسواد حتی از فقیرترین اقوام ایتالیا یا اسپانیا هم بیشتر است.

برگردیم به اسلام و اعجازی که بوجود آورد، ولی اول باید عظمت پیغمبر اسلام را از طریق دیگر نشان بدهم تا ارزش نظریه خود را ثابت کنم. در مرحله نخست باید گفت که پیغمبر اسلام بزبان عربی که زبان خود او بود دلبستگی فراوان داشت. وحی ها بزبان عربی بر او نازل می شد و بنا بر این عربی زبان الهی بود. پیغمبر آرام کرد که قرآن بزبان عربی خوانده شود و بسبب همین قید و عقیده ای که مسلمانان به ارزش و بهای عربی داشتند این زبان از جمله زبانهای برجسته جهان شد و یکی از ابرزارهای اصلی تمدن قرون وسطی گردید و تا امروز نیز زبانیست که رواج بین المللی دارد.

اجازه بدهید که یک دم از مطلب اصلی منحرف شوم و یادآوری کنم که پیدایش و تکامل زبانهای مختلف که شماره آنها بچندین هزار میرسد یکی از اسرار جهان است. بعضی از زبانها شاهکار مهارت و اتقان و حسن ترکیب منطقی است و محال است که بتوان دانست این ساختمان دشوار و زیبا چگونه تکامل یافته است، زیرا که قسمت اعظم این این تکامل و نمو خارج از اراده و توجه افراد بوجود آمده است. زبانهای طبیعی مدتها قبل از آنکه کسی درباره صرف و نحو یا خود زبان تصور دقیقی داشته باشد موجوده بوده است.

مثلا شاهکارهای ادبیات یونان قبل از آن که نخستین دستور زبان یونانی نوشته شود بوجود آمده بود. زیبایی هر زبانی را میتوان با تجزیه و تحلیل

(۱) خاتم النبیین (قرآن . سورة ۳۳- آیه ۴۰) این عبارت نشانه تهمت بدعت و انحراف است که بهودیان و عیسویان بدین اسلام وارد می کردند، زیرا آنچه اسلام تکمیل و اتمام ادیان سابق خوانده است در نظر پیروان آن ادیان ممکن نبود انحراف محسوب شود.

بیان کرد، اما اعتبار این تحلیل بیش از بحثی نیست که دربارهٔ زیبایی گل یا پرندۀ ای می‌کنیم. در مقابل این زیباییها فقط باید تحسین و تعجب خود را بیان کنیم و بگوئیم «ما شاء الله».

بهر حال، اتفاق چنین افتاده بود که زبان عربی، یعنی یگانه زبان پیغمبر اسلام، یکی از زیباترین زبانهای عالم محسوب می‌شد (و البته توجه پیغمبر باین نکته نیز یکی از آثار علم لدنی اوست).

گنجینهٔ لغات عربی فوق‌العاده غنی است و ممکن است شماره لغات این زبان بی نهایت افزوده شود و علت این امر آنست که این زبان دارای صرف بسیار دقیقی است و بر طبق آن سهولت می‌توان از ریشه و مادهٔ لغات قدیم صیغه‌های جدیدی بر حسب احتیاج بنا کرد گوئی تقدیر چنان بود که زبانی که بادیه نشینان عرب قبل از قرن هفتم میلادی بکار می‌بردند یکی از وسائل مهم انتشار علم و دین در جهان بگردد.

زبان قرآن یعنی زبان وحی طبعاً در اوج فصاحت بود و عجب آنکه پیغمبر خود در این زبان استادی تمام داشت و الهامات خداوندی را با کلمات و جمله‌های شاعرانه و مؤثر بیان می‌کرد. قرآن برای زبان عربی معیار و میزان فصاحت قرار گرفت. البته این امر مانع آن نشد که بعضی از لهجه‌های عربی برای احتیاجات عامه نمودند و خصوصاً همینکه بعد از زبان عربی را ملتهای دیگر نیز بکار بردند این لهجه‌ها توسعه و رشد بیشتری یافت. اما تأثیر قرآن این بود که يك زبان مشخص و ثابت بین المللی برای احتیاجات عالی زندگی برقرار کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
(دبیراله دارد)

رتال جامع علوم انسانی